

بررسی کنوانسیون‌های چهارگانه حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در عراق

افسانه خسروی*

عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی واحد میمه

هادی زرگری**

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

چکیده

تهاجم نظامی آمریکا به عراق موجب تحول نگرش جامعه بین‌المللی به سیستم امنیت دسته‌جمعی و اعتبار و توان سازمان ملل متحد در مدیریت بحران‌های بین‌المللی گردید. ارزیابی پیامدهای حمله به عراق و استمرار اشغال آن هم‌چنان به‌عنوان مهم‌ترین معضل بین‌المللی مورد تحلیل حقوقدانان و پژوهشگران روابط بین‌الملل قرار دارد و جای امیدواری است که تقریباً در مورد تخلف آمریکا از قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل اجماع وجود دارد. صرف‌نظر از عدم مشروعیت جنگ عراق، مسئله تهاجم آمریکا به این کشور، رعایت حقوق جنگ و هدایت عملیات جنگی نیز قابل بررسی و تعمق است. در جریان این حمله با موارد نقض کنوانسیون حقوق بین‌الملل بشر دوستانه نیز روبرو هستیم. در این مقاله ضمن بررسی کنوانسیون‌های چهارگانه حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در صد پاسخ به این سوال اصلی هستیم؛ در حمله نظامی آمریکا به عراق موارد نقض کنوانسیون‌های حقوق بین‌الملل بشر دوستانه کدامند؟ فرض پژوهش بر این اساس استوار است، بازداشت‌های غیرقانونی نظامیان، شکنجه اسرای جنگی، غارت، کشتار غیرنظامیان، نقض فاحش کنوانسیون‌های چهارگانه حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در عراق محسوب می‌شود. با توجه به گذار تاریخی عراق از حالت اقتدارگرا به سمت‌وسوی دموکراسی، عدالت انتقالی در این بستر رشد نکرده است؛ که در ادامه به تکنیک‌های عدالت انتقالی و اهداف آن نیز اشاره می‌گردد.

کلید واژه‌ها

کنوانسیون‌های چهارگانه، اسرای جنگی، غیر نظامیان، عدالت انتقالی.

*Email: afsane.khosravi88@yahoo.com.

** Email: zargari_hadi@yahoo.com.

مقدمه

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دولت آمریکا اهداف و سیاست‌های خود را در راستای تثبیت نظام تک‌قطبی بنا نهاد. وقوع حوادث تروریستی 11 سپتامبر فرصت طلایی را برای رهبری جهان در اختیار آمریکا گذاشت و محافظه‌کاران جدید نیز به خوبی از این فرصت استفاده کرده و توانستند بعد از حادثه مذکور نظام «تک‌قطبی» را که در دهه 1990 نتوانسته بود استقرار یابد، آن‌گونه که خود می‌خواهند تثبیت نمایند. در این مقطع، زمامداران آمریکا جهت دستیابی به اهداف خود، رویکرد و نگرش تازه‌ای را به مسائل بین‌المللی اتخاذ نمودند. استراتژی جدید آمریکا جهت استقرار نظام «تک‌قطبی» براساس سرکوب و برخورد با واحدهای ضعیف و نه قدرتمند تبیین شد. لذا بعد از حمله به افغانستان، اعلام نمود که در دنیا کشورهایی هستند که محور شرارتند و کشورهای ایران، کره شمالی و عراق را در این لیست جای داد. منتهی رژیم عراق بنا به دلایلی در الویت قرار گرفت.

بعد از حمله عراق به کویت در سال 1990، نگاه دولتمردان آمریکا به رژیم عراق این‌گونه بود که این کشور دو جنگ را پشت سر گذاشته و در داخل نیز با شورشیان و معترضان روبرو بوده است. سرانجام، در برابر مخالفت‌های گسترده جامعه بین‌المللی و افکار عمومی جهانی در پایان سال 1381 هجری شمسی، دولت ایالات متحده آمریکا به همراه انگلستان، یورش نظامی خود را علیه عراق آغاز کردند و در پی آن، سرزمین عراق به اشغال نیروهای مهاجم درآمد. این جنگ، از جهات گوناگون سیاسی - اقتصادی و حقوقی مورد مطالعه و بررسی صاحب‌نظران قرار گرفته است. هواداران جنگ، در توجیه اقدامات نظامی و کاربرد زور، به قطعنامه 1441 شورای امنیت سازمان ملل و برقراری دمکراسی در عراق اشاره می‌کنند.

در این مقاله ضمن بررسی کنوانسیون‌های چهارگانه حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، با استفاده از روش توصیف - تحلیلی درصدد پاسخ به این سوال اصلی هستیم؛ در حمله نظامی آمریکا به عراق موارد نقض کنوانسیون‌های حقوق بین‌الملل بشر دوستانه کدامند؟ فرض پژوهش بر این اساس استوار است، بازداشت‌های غیرقانونی نظامیان، شکنجه اسرای جنگی، کشتار غیرنظامیان، نقض فاحش کنوانسیون‌های چهارگانه حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در عراق محسوب می‌شود.

سیاست‌گذاری آمریکا و خاورمیانه بعد از سپتامبر 2001

دو روز پس از حادثه 11 سپتامبر، جرج دبلیو بوش، رئیس‌جمهور سابق آمریکا در مجمع عمومی سازمان ملل متحد گفت که صدام حسین الزامات قطعنامه 687 را نقض کرده است؛ در سال 2002 نیز کنگره آمریکا مجوز استفاده از زور علیه عراق را صادر کرد. از سوی دیگر شورای امنیت در قطعنامه 1441 (نوامبر 2002) از عراق خواست که تعهدات خلع سلاح مطابق قطعنامه‌های قبلی و همچنین، تعهدات مربوط به حقوق بشر و مبارزه با تروریسم را رعایت کند. اگرچه دولت عراق موافقت خود را با این قطعنامه اعلام کرد و بازرسان سازمان ملل نیز همان ماه شروع به کار کردند اما در حالی که هنوز هیچ گزارشی از سوی بازرسان تنظیم و تهیه نگردیده بود؛ با توجه به شواهد قریب الوقوع بودن حمله به عراق در 19 مارس 2003 عراق را ترک کردند. به هر تقدیر، صدور قطعنامه 687 به جهت پیامدهای بعدی آن باعث شد که بعضی آن‌را از جنگ اول خلیج فارس نیز مهم‌تر بدانند. بر این اساس می‌توان گفت با توجه به این که ممنوعیت توسل به زور در روابط بین‌الملل از قواعد آمره حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود؛ ایالات متحده و انگلستان هرکدام تلاش کردند، اقدام خود را به ترتیب در چارچوب استثنائات اصل ممنوعیت توسل به زور، یعنی دفاع مشروع و مجوز شورای امنیت توجیه

کنند. از آنجا که آمریکایی‌ها هم‌چنان معتقد به اعمال مشروع پیشگیرانه هستند (صلاحی، 1391: 159)؛ براساس اختیاری که شورای امنیت به دول عضو داد، حمله هوایی به عراق آغاز شد. ولی نظارت یا مدیریتی از سوی سازمان ملل در این جنگ وجود نداشت. پس از آن سازمان ملل طی قطعنامه 687 خلع سلاح عراق را در برنامه خود قرار داد و نیروهای ناظر این سازمان موسوم به (UNIKOM) در مرزهای این کشور استقرار یافتند. از سوی دیگر، به‌منظور خلع سلاح این کشور مطابق قطعنامه 687 و از بین بردن موشک‌های بالستیک با برد بیش از 150 کیلومتر کمیسیون ویژه‌ای موسوم به (UNSCOM) شروع به کار کرد و عراق موظف به همکاری با این کمیسیون شد. در کنار آن، سازمان بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) نیز موظف شد در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای این کشور تحقیق نماید.

(Basic Facts about the United Nations, 1998: 104)

به هر حال علت حمله، تخلفات رژیم بعثی عراق مبنی بر داشتن جنگ افزارهای کشتار جمعی و از سرگیری برنامه تسلیحاتی، دغدغه آمریکا در مورد حمایت عراق گروه‌های تروریستی و احتمال کمک تسلیحاتی و مالی این کشور به تروریست‌ها به‌طور پنهانی، اعلام شد؛ اما طی حمله به عراق و بازرسی‌های انجام شده، هیچ سلاح کشتار جمعی در این کشور به‌دست نیامد. منابع اطلاعاتی آمریکا و انگلیس نیز گزارش‌هایی مبنی بر عدم وجود تسلیحات کشتار جمعی ارائه نمودند. سازمان سیا نیز هیچ‌گونه ارتباطی بین رژیم صدام حسین و القاعده پیدا نکرد. بنابراین ادعای آمریکا اعتبار خود را از دست داد و دیگر هیچ حقیقتی برای سیاست‌های آمریکا مبنی بر ادامه حمله به عراق باقی نماند (حقیقی، 1383: 8).

جنایات جنگی در عراق

آمریکایی‌ها علاوه بر جنایت بین‌المللی، که در اثر تجاوز به یک کشور و نقض اصل منع توسل به زور صورت می‌گیرد - چنانچه متجاوزان، به‌هنگام مخاصمه مسلحانه و درگیری نظامی، مقررات جنگ را نادیده بگیرند - مرتکب «جنایت جنگی» نیز شده‌اند. جنایات جنگی عبارت است از نقض فاحش قواعد و مقررات حقوق مخاصمات مسلحانه. این مقررات، در عهدنامه‌های چهارگانه ژنو 1929 و پروتکل‌های الحاقی شماره‌های 1 و 2 سال 1977 و نیز در قواعد و عرف‌های مسلم حقوق بین‌الملل حاکم بر حقوق مخاصمات مسلحانه، انعکاس یافته است. جنایات ارتكابی علیه افراد غیرنظامی، جنایات ارتكابی علیه مجروحان و اسیران جنگی، غارت اموال عمومی یا خصوصی در زمان جنگ، بمباران و تخریب شهرها و روستاها و اهداف غیرنظامی دشمن که فاقد ضرورت نظامی باشد، در زمره جنایات جنگی قرار می‌گیرند (ضیایی بیگدلی، 1379: 263). در اینجا مفاد کنوانسیون‌های چهارگانه حقوق بین‌الملل بشر دوستانه به اختصار بیان می‌شود:

کنوانسیون‌های چهارگانه حقوق بین‌الملل بشر دوستانه و پروتکل‌های الحاقی

کنوانسیون‌های چهارگانه 1949 ژنو که در آن، اصول و مقررات حقوق بشر دوستانه آمده است، عبارتند از:

- کنوانسیون مربوط به بهبود وضع زخمیان و بیماران نیروهای مسلح در هنگام اردو کشی؛
- کنوانسیون مربوط به بهبود وضع زخمیان، بیماران و غریبان نیروهای مسلح در دریا؛
- کنوانسیون مربوط به رفتار با اسرای جنگی؛
- کنوانسیون مربوط به حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ.

به‌منظور حمایت بیشتر از غیر نظامیان و در پی تلاش‌های صلیب سرخ بین‌المللی، سرانجام، طی مذاکرات طولانی در 10 ژوئن 1977، دو پروتکل به کنوانسیون 1949 ژنو ضمیمه شد. پروتکل نخست، اختصاص به حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی دارد که در جنگ‌های بین‌الدولی اجرا می‌شود و پروتکل دوم، مربوط به حمایت از قربانیان در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی و داخل کشورها است.

مطابق ماده 2 مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه 1949 ژنو، قواعد این کنوانسیون‌ها، در هر جنگ اعلام شده یا هر مخاصمه مسلحانه، که میان دو یا چند کشور طرف معاهده - حتی اگر حالت جنگی، توسط یکی از آن‌ها به رسمیت شناخته نشود - قابل اجرا است. همچنین، قواعد این کنوانسیون‌ها در کلیه موارد اشغال تمام یا بخشی از سرزمین یک کشور، حتی اگر اشغال، با مقاومت نظامی روبرو نشود، اجرا می‌گردد. قواعد این کنوانسیون‌ها، نسبت به کشورهای غیر عضو نیز قابل اجراست؛ زیرا مقررات مندرج در آن، عرفی و مورد قبول جامعه بین‌المللی است (دبیرخانه‌ی کمیته ملی حقوق بشردوستانه، 1383: 27)

رفتار با اسیران جنگی

در حوزه حقوق بشر دوستانه، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (1949) اولین اسناد جهانی است که به صراحت شکنجه را محکوم کرده است. به دلیل آن‌که مهم‌ترین انگیزه در شکنجه اسیران جنگی، کسب اطلاعات از این منبع با ارزش اطلاعاتی از سوی نیروهای قدرت اسیر گیرنده است و از سوی دیگر یک اسیر دادن اطلاعات نظامی به دشمن را خیانت به کشور خود تلقی می‌نماید؛ کنوانسیون سوم ژنو علاوه بر آن که در ماده 3 آن شکنجه را ممنوع کرده است در ماده 17 آن هرگونه راه ضرب و شتم و تنبیه فیزیکی و یا شکنجه روانی اسیر جنگی را به قصد گرفتن اطلاعات ممنوع کرده است. به علاوه این‌که اگر یک اسیر جنگی از دادن اطلاعات امتناع نماید؛ نباید در معرض تهدید حمله و یا هر نوع رفتار تبعیض آمیزی قرار گیرد. به ترتیب مواد 50، 51 و 130 و 147 کنوانسیون‌های ژنو ارتکاب شکنجه را به عنوان نقص عمده‌ی کنوانسیون‌ها پیش‌بینی می‌کند و مرتکبان آن‌را قابل پیگیری محاکمه و مجازات دانسته است (صلاحی، 1392: 121).

بر اساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به محض شناسایی اسرای جنگی باید مشخصات آن‌ها از جمله هویت و درجه‌ی آنان ثبت شود؛ اسرا به محض ثبت باید بدون فوت وقت به مناطق غیرجنگی اعزام و در اماکن مجهز به امکانات بهداشتی نگهداری شده و با آنان رفتار انسانی اعمال شود، این رفتار باید بدون تبعیض نسبت به کلیه‌ی اسرا انجام پذیرد. فقط ممکن است اولویت‌هایی بر اساس درجه، جنسیت، وضعیت جسمانی و سن اسیر اعمال گردد که این اولویت‌ها مشروع بوده و تبعیض محسوب نمی‌گردد. رفتار انسانی با اسیران، هرگونه عمل انتقام‌جویانه و خشونت‌بار، شکنجه، مثله کردن، ایجاد رعب و وحشت، انجام آزمایشات پزشکی، توهین و تحقیر را ممنوع می‌سازد.

متن کنوانسیون 1949م ژنو در مورد مفهوم اسیر چنین است:

الف) ماده‌ی چهارم تنها افراد ذیل را مشمول حقوق مقرر در کنوانسیون می‌داند:

1. اعضای نیروهای مسلح یکی از متخاصمین، چریک‌ها و دسته‌های داوطلب که جزو نیروهای مسلح مزبور باشند.
2. چریک‌ها و اعضای سایر دسته‌های داوطلب نهضت‌های مقاومت متعلق به یک دولت متخاصم که در داخل و یا خارج خاک خود مشغول عملیات باشند ولو آن‌که خاک مزبور اشغال شده باشد.
3. اعضای نیروهای مسلح منظم، که خود را وابسته به دولت یا مقامی معرفی نمایند که از طرف دولت دستگیر کننده به رسمیت شناخته شده باشند.
4. کسانی که همراه نیروهای مسلح هستند بی‌آنکه مستقیماً جزو آن باشند از قبیل اعضای غیرنظامی کارکنان هواپیمای جنگی، خبرنگاران جنگی، تهیه کنندگان اجناس و اعضای واحدهای کار یا خدمت که عهده‌دار آسایش نیروهای مسلح هستند.

5. کارکنان نیروهای بحریه‌ی بازرگانی، از جمله فرماندهان، ناخدا و کارکنان هواپیمای کشوری دولت‌های متخاصم، که به‌موجب این مقررات حقوق بین‌الملل از معامله‌ی مساعدتری برخوردار نیستند.

6. اهالی اراضی اشغال نشده که موقع نزدیک شدن دشمن بی‌آنکه فرصت تشکیل نیروهای منظم را داشته باشند و از روی اجبار برای مبارزه با دشمن اسلحه به‌دست می‌گیرند؛ مشروط به این‌که علناً اسلحه حمل نمایند و قوانین جنگ را محترم شمارند.

ب) اشخاصی که به نیروهای مسلح کشور اشغال شده تعلق دارند و یا متعلق بوده‌اند در صورتی که کشور اشغال کننده به‌علت همین تعلق، اقدام به بازداشت آن‌ها را لازم بداند (دبیرخانه‌ی کمیته ملّی حقوق بشردوستانه، 1383: 65).

نقض کنوانسیون‌های ژنو در عراق

در زندان‌های آمریکایی در عراق و گوانتانامو شرایط و اوضاعی برقرار است که شکنجه، رفتار وحشیانه و غیرانسانی و برخوردهای تحقیرآمیز اقدامات زشت را به‌راحتی قابل اجرا می‌سازد و کرامت انسانی، قربانی جنگ آمریکا علیه تروریسم و نیز نظم تحقیقاتی این کشور شده، زیرا دولت آمریکا نه‌تنها قوانین بین‌المللی و حقوق بشر، بلکه به‌عمد و از سر اراده قوانین انسانی جامعه جهانی را زیر پا گذاشته شده است. انتشار اسناد جنگ افغانستان و عراق توسط پایگاه اینترنتی ویکی‌لیکس، اعتبار آمریکا را به‌عنوان یک کشور مدعی حمایت از حقوق بشر مخدوش کرده است. اسناد منتشر شده توسط پایگاه اینترنتی ویکی‌لیکس نشان می‌دهد که ارتش آمریکا شواهد مربوط به شکنجه و آزار و اذیت غیرنظامیان را نادیده گرفته است. بنابراین علاوه بر نقض گسترده حقوق بشر در داخل آمریکا سازمان‌های بین‌المللی و رسانه‌ها از نقض گسترده و رسوایی‌های نظامیان آمریکایی در کشورهای مختلف و زندان‌هایی تحت نظر دولت واشنگتن خبر داده‌اند که رسوایی زندان ابوغریب در عراق و پایگاه دریایی ارتش آمریکا در گوانتانامو واقع در خلیج کوبا از پرسروصداترین آنها بوده است.

- عکس‌های منتشر نشده از زندان ابوغریب بغداد، سربازان آمریکایی را هنگام کتک به قصد کشت یک زندانی عراقی، تجاوز به یک زن زندانی، رفتاری غیراخلاقی با جنازه یکی از زندانیان و تشویق زندانبانان بعضی به تجاوز به پسر بچه‌ها نشان می‌دهد. بر پایه همین گزارش، زندانبانان در مقابل دیدگان این مادران عراقی و دوربین‌های خود به بچه‌های آنان تجاوز کرده‌اند و بدتر از همه در آن فیلم‌ها که در معرض دید عموم قرار نگرفته صدای جیغ کودکانی است که از درد به‌خود می‌پیچند. با این‌که زندانبانان ابوغریب اعتراف کردند دستور شکنجه و قتل زندانیان را از مقامات بالا در ارتش آمریکا دریافت کرده‌اند، در جریان محاکمات نمایشی متهمان، تنها تعدادی از سربازان و افسران جزو، به مجازات‌های خفیفی محکوم شدند.

- بر اساس گزارشی که در شصت و چهارمین مجمع عمومی سازمان ملل ارائه شد، آمریکا و پیمانکاران خصوصی‌اش مردان مسلمانی را که در عراق و سایر کشورها بازداشت کرده بودند مجبور می‌کردند که به یکدیگر تجاوز کنند.

- بازجوهای ایالات متحده در جریان بازجویی از بازداشت شدگان در زندان نظامی گوانتانامو به روش‌هایی مثل بازداشتن زندانیان از خوابیدن، مجبور کردن آن‌ها به استفاده از مواد مخدر و اقرار گرفتن متوسل می‌شوند.

- دولت آمریکا بیش از 600 نفر را در پایگاه هوایی «بگرام» در افغانستان زندانی کرده است. سازمان ملل متحد در این باره گزارش انتقادی را منتشر کرده است که براساس آن بسیاری از زندانیان ادعا کرده‌اند که در معرض شکنجه‌های سخت بودند و در مدت پنج سالی که زندانی بودند بارها مورد آزار جنسی نیز قرار گرفتند و نیروهای آمریکایی 15 تا 20

نفر از آن‌ها را در قفس‌هایی کوچک زندانی می‌کردند که منجر به مرگ چندین تن از زندانیان شده بود (Human Rights Watch Report, 2009).

Rights Watch Report, 2009)

رفتار نیروهای اشغالگر با غیر نظامیان

اصل تفکیک مبین آن است که همواره دولت‌های متخاصم باید بین اهداف نظامی و غیر نظامی تفکیک قائل شوند. این مورد در ماده 48 پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه جنگ در خصوص حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه مورد تأکید قرار گرفته است. هم‌چنین دیوان دادگستری بین‌المللی در رأی مشورتی خود در قضیه مشروعیت کاربرد سلاح‌های اتمی در 1996 در پاراگراف 78 بر عدم کاربرد سلاح‌هایی که امکان تفکیک بین افراد نظامی و غیر نظامی را غیرممکن می‌سازد، تأکید نموده، آن‌را یک اصل بنیادین حقوق درگیری‌های مسلحانه می‌داند. بر این اساس دولت‌ها به هیچ وجه مجاز به استفاده از سلاح‌هایی که امکان تفکیک بین اهداف نظامی و غیر نظامی را غیرممکن می‌سازد، نخواهند بود.

خاطر نشان می‌سازد که در طول درگیری‌ها در عراق شاهد نقض این اصل مهم بودیم. بمباران شهرها و مناطق مسکونی و ویرانی آن‌ها، مجروح یا کشته شدن غیر نظامیان و به‌ویژه زنان و کودکان عراقی گواهی بر این ادعاست؛ استفاده آمریکا از بمب‌های خوشه‌ای از جمله موارد نقض است که بر طبق حقوق ناظر بر مخاصمات مسلحانه، کاربرد آن‌ها ممنوع اعلام شده است. زیرا این بمب‌ها بعد از مدتی از زمان پرتاب منفجر می‌شود و عملاً اصل «تفکیک» بین اهداف نظامی و غیر نظامی را غیر ممکن می‌سازند. از این گذشته، نیروهای آمریکایی و انگلیسی به دلیل عدم تحمل افکار عمومی مردم کشورشان سعی می‌نمایند که تلفات انسانی کمتری داشته باشند، لذا از ارتفاعات بالا و از دور شهرهای عراق را مورد حمله هوایی قرار می‌دهند. مسلماً تحت چنین شرایطی عملاً شناسایی دقیق هدف مشکل و به تبع اصل تفکیک قابل اجرا نخواهد بود (صادقی حقیقی، 1383: 22).

تحقق اصل «تفکیک» منوط به رعایت اصل «احتیاط» که یکی از اصول مهم حقوق بشردوستانه می‌باشد، خواهد بود. این اصل در پروتکل شماره یک الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو، بیان شده است و ماده 57 پروتکل مذکور به رعایت اصل احتیاط در اتخاذ تصمیم تأکید می‌نماید. مطابق این اصل اگر دولتی در حمله به دشمن، احتمال آسیب دیدن غیر نظامیان را می‌دهد و به عبارتی تصمیم به حمله ممکن است که به عدم رعایت اصل «تفکیک» بینجامد، باید از صدور دستور حمله اجتناب نماید.

دولت آمریکا عضو این پروتکل نیست، ولی رأی مشورتی دیوان در سال 1996 در پاراگراف 78 بیان می‌دارد اصل تفکیک بین اهداف نظامی و غیر نظامی یک اصل بنیادین حقوق درگیری‌های مسلحانه است و به‌هیچ وجه قابل تعلیق نیست و جزو قواعد آمره حقوق بین‌الملل است؛ بنابراین همه دول ملزم به رعایت آن هستند و هیچ توجیهی برای عدم رعایت این اصل توسط آمریکا وجود ندارد و نقض آن جنایت جنگی به‌شمار می‌آید. قطعاً کشته شدن افراد غیر نظامی و تخریب مناطق مسکونی عراق مبین عدم رعایت اصل «احتیاط» توسط نیروهای اشغالگر آمریکایی می‌باشد.

بررسی رفتار نیروهای اشغالگر و اصل «ضرورت نظامی»

علی‌الاصول رعایت ملاحظه «ضرورت نظامی» توأم با رعایت «حقوق بشر دوستانه» مشکل به‌نظر می‌رسد. مفهوم ضرورت نظامی این است که طرفین درگیری باید به اقداماتی که برای تضمین یک اقدام نظامی، اساسی و حتمی فرض می‌شود، محدود گردند و به‌عبارتی ضرورت نظامی به اقداماتی محدود می‌شود که برای اطمینان از موفقیت اقدام نظامی لازم و ضروری است.

به این اصل در ماده 23 کنوانسیون چهارم ژنو و ماده 53 کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو توجه شده و محدودیت‌هایی را بر اختیارات و اقدامات دولت اشغالگر اعمال نموده و تصریح می‌نماید که اموال دشمن نباید تخریب شود مگر در صورتی که ضرورت نظامی وجود تخریب را محقق سازد. به‌علاوه ماده 147 کنوانسیون چهارم ژنو انهدام و تصرف گسترده اموال را که متکی به ضرورت نظامی نبوده، عمداً و به‌طور غیر قانونی صورت گرفته باشد، تخلف عمده و جنایت جنگی قلمداد می‌نماید. در این مورد افرادی که مرتکب تخلفات عمده گردیده یا این که دستور انجام آن‌را صادر کرده باشند، مسئول هستند.

از سویی دیگر حقوق ناظر بر درگیری‌های مسلحانه بر عدم کاربرد سلاح‌ها و مواد منفجره یا شیوه‌های جنگی که موجب لطمه شدید و «غیر ضروری» می‌گردد، تأکید دارد. منتهی «ضرورت نظامی» مفهوم کاملاً گسترده‌ای دارد و دست دولت‌ها در تعبیر و تفسیر آن بنا بر منافع و مصالح خود باز است. تخریب شهرها و مناطق غیر نظامی و محل‌های مقدس عراق، مسلماً یک «ضرورت نظامی» نیست. به‌علاوه خلع سلاح این کشور، اشغال آن‌را ضروری و الزامی نمی‌نماید (صادقی حقیقی، 1383: 22)

غارت؛ یکی دیگر از مواردی که موجب نقض حقوق بشر دوستانه می‌شود؛ «غارت» است. «غارت» نقض عمده حقوق بین‌الملل و یک جنایت جنگی است. بعد از اشغال عراق توسط نیروهای آمریکا، اموال و موزه‌های این کشور مورد غارت قرار گرفته و در این خصوص آمریکایی‌ها هیچ عکس‌العملی از خود نشان ندادند در حالی که به‌موجب کنوانسیون 1954 در مورد حمایت از اماکن مقدسه و آثار باستانی و پروتکل 1999 که ضمیمه این کنوانسیون است، بر حفظ بناهای تاریخی و مقدس تأکید شده و دولت آمریکا به‌عنوان دولتی اشغالگر و دولتی که توانایی کنترل اوضاع را دارد، جهت حفظ اموال، بناهای تاریخی و مقدس مطرح می‌گردد. هم‌چنین مطابق ماده 55 مقررات لاهه، دولت اشغالگر موظف است به‌عنوان اداره کننده، کنترل سرزمین اشغالی را عهده‌دار شود و این اموال را حفظ نماید. ماده 53 کنوانسیون چهارم ژنو انهدام اموال منقول یا غیر منقولی را که متعلق به اشخاص، یا دولت یا سازمان‌های اجتماعی باشد، توسط دولت اشغالگر ممنوع نموده بر حفظ و اداره آن‌ها تأکید می‌نماید.

مسئولیت ناشی از نقض حقوق بشر دوستانه بین‌المللی

مسئولیت دولت‌ها در مناسبات بین‌المللی در چارچوب حقوق عرفی و اسناد بین‌المللی مطرح می‌شود.

بر اساس چهار کنوانسیون ژنو و پروتکل شماره یک الحاقی، نقض بعضی از اصول حقوق درگیری‌های مسلحانه در حکم «جنایت جنگی» است و افرادی که این اصول را نقض نمایند، مرتکب جنایات جنگی شده‌اند. دیوان نسبت به جنایات جنگی صلاحیت دارد، به‌ویژه هنگامی که چنین جرایم در قالب یک برنامه یا سیاست عمومی یا در قالب ارتکاب گسترده صورت گرفته شده باشد.

1- نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های 12 اوت 1949 ژنو؛ یعنی هر یک از اعمال مشروحه زیر بر ضد اشخاص یا دارایی‌هایی که تحت حمایت مقررات کنوانسیون ژنو قرار گرفته اند:

- تبعید یا انتقال غیر قانونی یا حبس غیر قانونی؛
- شکنجه یا رفتار غیر انسانی، از جمله آزمایش‌های زیست‌شناختی؛
- اجبار اسرای جنگی یا دیگر اشخاص مشمول حمایت از حق محاکمه عادلانه و قانونی؛
- فراهم کردن موجبات رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا سلامتی؛
- حمله به ساختمان‌های روستاها و شهرهای که بی دفاع بودند و اهداف نظامی نداشتند (ذاکریان، 1392: 70).

در ماده 147 کنوانسیون شماره 4، نقض ترتیبات ماده 53 یعنی عدم رعایت تفکیک بین اهداف نظامی و غیر نظامی جزو موارد نقض فاحش حقوق درگیری‌های مسلحانه است و افراد مرتکب این جرم قابل محاکمه هستند. باید خاطر نشان ساخت که در این مورد تنها شخص عمل کننده مسئول نیست، بلکه مقامات دستور دهنده نیز مسئول هستند. بنابراین در تهاجم به عراق افراد سطوح بالای دولت آمریکا در زمره جنایتکاران جنگی به حساب می‌آیند (صادقی حقیقی، 1383: 22).

– طبق گزارش دیده‌بان حقوق بشر در 19 می 2008، ایالات متحده از سال 2003 به بعد حدود 2400 کودک را در عراق بازداشت کرده است که در میان آن‌ها کودکان 10 ساله نیز به چشم می‌خورند. نیروهای آمریکایی هم‌چنین 513 کودک عراقی را تحت عنوان «تهدیدهای ضروری برای امنیت» بازداشت کرده‌اند. کودکان در زندان عراق در معرض خطر سوءاستفاده جسمی هستند (Human Rights Watch Report, 2008).

– اسناد منتشر شده توسط پایگاه اینترنتی ویکی‌لیکس نشان می‌دهد که ارتش آمریکا شواهد مربوط به شکنجه و آزار و اذیت غیرنظامیان را نادیده گرفته است. زندانیان در یک بازداشتگاه مخفی در پایگاه اصلی آمریکاییها در افغانستان مورد شکنجه‌های جسمی و روحی قرار گرفته‌اند، از جمله ادعاهای زندانیان، «نگهداری در مکان سرد، تحقیر، کتک خوردن مکرر، محرومیت از خواب و برهنه شدن» بوده است. این افراد در فاصله زمانی 2009-2010 در این زندان به سر برده‌اند. این مسئله در مورد زندان‌های مخفی آمریکا در پایگاه هوایی بگرام هم مورد تأیید قرار داده است (Human Rights Watch Report, 2009).

عدالت انتقالی¹

دیوان کیفری بین‌المللی پس از سال‌ها تلاش مستمر کمیسیون حقوق بین‌الملل و مذاکرات فشرده در اول ژوئیه سال 2002 آغاز به کار کرد. تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی، مهم‌ترین تحول در حوزه اجرای عدالت انتقالی و یک نقطه عطف محسوب می‌شود. بر اساس بند 1 ماده 5 اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جرایم نسل‌کشی، جرایم علیه بشریت، جرایم جنگی، جرایم تجاوز تحت صلاحیت دیوان قرار دارد. اهداف عدالت انتقالی را می‌توان در سه قالب سیاسی، حقوقی، اخلاقی مطرح کرد. اما این قالب‌ها به دو قسمت کوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

- از بین بردن فرهنگ معافیت برخی افراد از مجازات و پاسخگویی مجرمان؛
- احیای شان و منزلت از دست رفته قربانیان؛ التیام دردها و زخم‌های قربانیان و ایجاد یک جامعه سالم و با ثبات؛
- بهبود وضعیت افراد مجروح جامعه.

عدالت انتقالی مربوط به جوامعی است که در حال گذار از جنگ به صلح یا از یک رژیم اقتدارگرا به نظام دموکراتیک هستند. عدالت انتقالی موضوع جبران حقوق و زبان‌های قربانیان حقوق بشر است. عدالت انتقالی تلاش می‌کند سازوکارهای را فراهم آورد که آینده‌ای پر ثبات و مطمئن و همراه با آرامش، صلح و دموکراسی بسازد و فرایند گذار از یک جامعه دموکراتیک را فراهم آید. البته اگرچه عدالت انتقالی از پاک کردن همه ردپاهای گذشته ناتوان است و آثار روحی و روانی آن همواره باقی خواهد ماند؛ ولی تلاشی برای تسکین رنج‌های گذشته است (ذاکریان، 1392: 75). بر این مبنا دادگاهی جهت رسیدگی به جنایات صدام، به سبب نقض فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه تشکیل شد. بی‌شک تصویب اساسنامه دادگاه محاکمه‌ی صدام، دستاورد عظیم رشد و توسعه حقوق بین‌المللی کیفری و به‌طور اخص عدالت انتقالی محسوب می‌شود. زیرا با دستگیری صدام و تشکیل دادگاه برای رسیدگی به جنایات او، عدالت انتقالی به کمک

1-Transitional justices.

قربانیان و بازماندگان آمد تا ضمن احقاق حقوق آن‌ها در گذشته، زمینه‌ساز آینده‌ای با ثبات و مطمئن، همرا با آرامش و دموکراسی شود. بر این اساس آمریکا می‌توانست به‌عنوان دولت اشغالگر، صدام را به جرم ارتکاب جنایات جنگی 1991 خلیج فارس و 2003، بر اساس اصول حقوق بشردوستانه تحت پیگرد قرار دهد (ذاکریان؛ محمودی، 1393: 314). از این‌رو می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین سازوکارهای عدالت انتقالی تشکیل دادگاه برای رسیدگی به جرایم نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است. عدالت انتقالی اساساً روی چهار سازوکار حقوقی قرار می‌گیرد؛ که عبارتند:

الف: دادگاه‌ها شامل دادگاه‌های مدنی یا کیفری، ملی یا بین‌المللی و داخلی یا خارجی؛

ب: کمیسیون تحقیق که در برگیرنده بررسی‌های ملی رسمی مانند کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، کمیسیون‌های تحقیق بین‌المللی، سازوکارهای سازمان ملل متحد با همکاری سازمان‌های بین‌المللی غیر حکومتی است.

ج: جبران غرامت که در برگیرنده غرامت‌های تکمیلی، تشویقی و سمبلیک به‌منظور جبران خسارت‌های مادی یا ایجاد سازش است؛

د: اصلاحات حقوقی و قضایی که در برگیرنده اصلاحات محتوایی و شکلی است. در شیق نخست اصلاحات قانونی، رویه‌ای و آیین‌نامه‌ای و در شیق دوم در برگیرنده اصلاحات نهادی و ساختاری است.

در موضوع عدالت انتقالی دادگاه یا محاکم یک سازوکار بزرگ، پراهمیت و آغازین به‌شمار می‌رود که می‌توانند در انتقال از نظام‌های اقتدارگرا به مردم‌سالار بسیار موفق عمل کنند. در واقع بر پایه حقوق بین‌الملل، همه دولت‌ها متعهد به تحقیق درباره نقض حقوق بشر هستند که خود در دو حوزه مطرح است. نخست نقض گسترده و فاحش حقوق بشر که شامل شکنجه، اعدام‌های اختصاری، ناپدیدشدگی اجباری، بردگی، بازداشت‌های غیرقانونی و طولانی مدت، دوم جرایم بین‌المللی که شامل ژنوساید، جنایت علیه بشریت و نقض فاحش قواعد عرفی مربوط به درگیرهای مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی است. این تعهد دست کم در برگیرنده مسئولیت استرداد یا تعقیب قضایی ناقضین حقوق بشر و مرتکبین چنین جرایمی است. به‌گونه‌ای که ماهیت عرفی این تعهد سبب شده تا چنین مسئولیتی در حقوق داخلی، جزایی و اساسی بسیاری از دولت‌ها وارد شود (ذاکریان، 1392: 78).

نتیجه‌گیری

از دیدگاه حقوق بین‌الملل، در بحران کنونی عراق، طیفی از نقض اصول و قواعد بنیادین چون حاکمیت و مداخله، حق آزادی ملل در تعیین سرنوشت، دفاع مشروع، نقض حقوق بشردوستانه و کاربرد زور به‌صورت اقدام فردی دولت آمریکا مطرح است و عمدتاً تحلیل‌های حقوقی بیانگر مغایرت اقدامات و عملکرد آمریکا و انگلیس با موازین حقوق بین‌الملل بوده، مسئولیت این دولت‌ها به‌عنوان ارتکاب جنایات جنگی و نقض حقوق بشر قابل طرح است. آمریکا فارغ از مداخلات نظامی، از طریق مداخلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی نیز پرونده گسترده‌ای در نقض حقوق بشر در سایر کشورها دارد. این کشور به‌عنوان بزرگ‌ترین فروشنده تسلیحات نظامی با فروش تسلیحات خود و هم‌چنین نقض کنوانسیون‌ها و مقررات بین‌المللی و اقدامات مداخله و منفعت‌جویانه در سایر بحران‌های بین‌المللی به نقض حقوق بشر در جهان پرداخته است.

آمریکایی‌ها، در تمام سال‌های پس از جهان دوقطبی، با استناد به تفسیرهایی که از قوانین بین‌المللی می‌کنند، حق حاکمیت کشورها را نقض کرده و نظامیان خود را وارد این کشورها کرده یا مردم را به‌نام حمایت از مردم، بمباران کرده‌اند. این مداخلات در حالی انجام می‌شود که منشور ملل متحد بر حق حاکمیت ملی تأکید داشته و اعضای جامعه

ملل را از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی هر کشور منع می‌کند و اکنون نیز آمریکایی‌ها از همین قانون بین‌المللی تفسیری متضاد ارائه داده و اقدامات خود را توجیه می‌کنند. در واقع، دو بحث «حاکمیت» و «مداخله بشردوستانه»، به چالشی حقوقی برای جامعه ملل تبدیل شده است و این دو در تقابل با یکدیگر هستند. اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها، بیشتر ریشه در جنگ‌هایی دارد که دولت‌های زورمند به بهانه‌های مختلف، از جمله حمایت از هم‌کیشان خود در آن سوی مرزها و با هدف تحقق اهداف کشورگشایانه، علیه حاکمیت کشور دیگری اقدام نظامی می‌کردند.



1. دبیرخانه‌ی کمیته ملی حقوق بشردوستانه (1383)، قواعد اساسی کنوانسیون‌های ژنو 1949 و پروتکل‌های الحاقی، تهران.
2. صادقی حقیقی، دیدخت (1383)، هجده نظامی آمریکا به عراق و اشغال آن از منظر حقوق بین‌الملل، فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، شماره 36.
3. ذاکریان، مهدی (1392)، متون کلیدی حقوق و روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات تیسرا.
4. ذاکریان، مهدی (1392)، همه حقوق بشر برای همه، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
5. ذاکریان، مهدی، زهرا محمودی (1393)، محاکم کیفری بین‌المللی، تهران: انتشارات تیسرا.
6. ذاکریان، مهدی، سید رضی عمادی (1391)، سازو کار و کارکرد عدالت انتقالی: تحولی مهم در حقوق بین‌الملل، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال اول، شماره اول.
7. صلاحی، سهراب (1391)، بازخوانی دلایل اشغال عراق از منظر حق توسل به زور و بررسی آثار آن در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره 4.
8. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (1379)، حقوق بین‌المللی عمومی، کتابخانه گنج دانش، چاپ چهاردهم.
9. ممتاز، جمشید (1377)، حقوق بشر در تحولات بین‌المللی، تهران: نشر دادگستر.

ب) لاتین

1. **Human Rights Watch Report** (2008), <https://www.hrw.org/publications>.
2. **Human Rights Watch Report** (2009), <https://www.hrw.org/publications>.
3. **Basic Facts about the united nations** (1998), United Nations Department of Public Information. New York .